

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۷۲۱

ایسکرا

تلفن تماس با ما Tel: 0046720077654

۱۳ فروردین ۱۳۹۳، ۲۰ آوریل ۲۰۱۴

سردبیر عبدال گلپریان

## برای تدارک اول ما مه

## میزگرد ایسکرا با محمد آسنگران، نسان نودینیان، ناصر اصغری و عبدال گلپریان در مورد روز جهانی کارگر

اوضاع کنونی امروز جامعه برای برگزاری روز جهانی کارگر در شهرهای کردستان را چگونه تحلیل می کنید، چه فاکتورهایی می تواند در برگزاری يك اول مه قدرتمند و باشکوه موثر باشد؟ آیا اساسا امکان برآورده شدن چنین توقعی متفاوت از سالهای گذشته وجود دارد؟

صفحه ۴

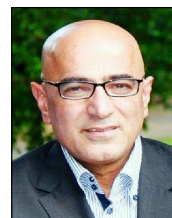
گفتگو می پردازد. اولین بخش این میزگرد را در این شماره ایسکرا ملاحظه می کنید.

**ایسکرا:** عزیزان با تشکر از شرکت شما که در این میزگرد شرکت کردید. سوال اول را از محمد آسنگران شروع می کنیم. تقریبا يك ماه به روز جهانی کارگر باقی مانده است. شما شرایط و



ایسکرا نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران از این شماره میزگردی را در رابطه با روز جهانی کارگر در دستور گذاشته است که در این میزگرد با صاحبزنان مسایل کارگری به

مشخص از جمله افزایش دستمزدها، حقوق و مزایای پرداخت نشده و در اعتراض به بیکارسازی های وسیع، انجام گرفته است. در یکسال گذشته کشمکش کارگران، معلمان و توده وسیعی از مزدبگیران افزایش چشمگیری داشته است. مساله کارگران به مساله و گفتمان دولت و مجلس و نهادهای ضد کارگر از جمله خانه کارگریها و ارگانهای شورای اسلامی تبدیل شد. جمهوری اسلامی با هزینه بالایی برای خنثی کردن و در واقع "هضم" مطالبات رادیکال جنبش کارگری از جمله در



نسان نودینیان

کارگران در ایندوره بیش از هر دوره ای در مصاف اصلی نبرد طبقاتی با دولت و کل نظام جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. اعتصابات و اعتراضات کارگری موردی نبوده، بلکه تداوم یافته و با طرح مطالبات

صفحه ۲

## ناسیونالیسم کرد، ناسیونالیسم اوکراینی

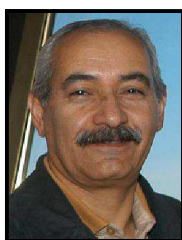
وجه تشابه و تمایزات و نقش نیروهای ناسیونالیست قومی و علت وجودی آنها مختصر اشاره میکنم.

مقدمه

امروز دیگر آرمانهای ناسیونالیسم در اشکال کلاسیک آن

صفحه ۳

شاید برای هر کسی این سوال مطرح باشد که ناسیونالیسم کرد چه ربطی به ناسیونالیسم از نوع اوکراینی آن دارد و اصولا آیا وجه تشابه و یا تمایزی مابین احزاب و نیروهای ناسیونالیست در کردستان، اوکراین و یا هر نقطه دیگر می تواند وجود داشته باشد؟ در این نوشته کوتاه تا حدودی به



عبدال گلپریان

## دردی جانگناه بنام زندگی کولبران در کردستان ایران! امین کمانگر

صفحه ۶

## نگاه هفته: مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان / نسان نودینیان

کردن خزانه دزدی هایشان عملی کرده اند. افزایش بی رویه نرخ برق بازی اقتصادی و گردنه گیری مقامات جمهوری اسلامی در شهرستان سروآباد است. مردم معترض شهرستان سروآباد علیه افزایش نرخ برق در يك ماه گذشته دست به اعتراض زده اند.

انشعاب برق (امتیاز برق) حق بی چون و چرای مردم است. گردنه گیری و فروش انشعاب برق دزدی اشکار و فساد مالی آشکاری است

صفحه ۷

## افزایش نرخ برق و اعتراضات مردم شهرستان سروآباد

در چند ماه گذشته نرخ برقراری انشعابات برق از دویست هزارتومان به هشتصد و پنجاه هزارتومان افزایش داشته است. افزایش چهارصد درصدی ناپاورانه و غیر منطقی است. در شرایطیکه جمعیت شهرستان سروآباد رو به افزایش است، مسئولین جمهوری اسلامی از این فرصت و نیاز مردم به برق استفاده کرده و افزایش چهار صد درصدی نرخ انشعابات برق را برای پر

فاصله بردگی و آزادگی از معلم زندانی رسول بداهی

آخرین اخبار کمپین نجات ریحانه

صفحه ۹

صفحه ۹

## اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق

خود و خانواده اش به کردستان عراق آمده بود، همین گزارش می افزاید که در همین هفته این سومین کارگری است که به دلیل نا امنی محیط کار جانش را از دست می دهد. طبق گزارش دیگری تنها در سال ۲۰۱۳ صد و هفت کارگر در منطقه اقلیم کردستان بدلیل نا امنی محیط کار جانشان را از دست داده اند که ۵۶ مورد آن مربوط به شهر سلیمانیه بوده.

صفحه ۲

## نامانی محیط کار در شهر سلیمانیه، باز هم قربانی بر جای گذاشت!

روز سه شنبه ۲۵ ماه مارس یکی از کارگران ساختمانی شهر سلیمانیه عراق به اسم عبدالرحمان عارف ۲۳ ساله در حین کار از طبقه نهم ساختمانی به پائین می افتد و جانش را از دست می دهد، بنا به گزارش روزنامه "هاولاتی" همشهری این کارگر اهل کردستان سوریه بود که برای تامین زندگی



اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق تهیه و تنظیم: یادی محمودی yadi.mahmudi@gmail.com

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

## برای تدارک ...

یکسال گذشته در ارتباط با اعتراض به میزان دستمزدها ارگانهای ضد کارگر را فعال نمود.

نقطه قوت برجسته اعتراضات کارگری در اعتراض به دستمزدها، رد این میزان از حداقل دستمزدها و مبارزه برای گرفتن حقوق و دستمزدهای پرداخت نشده است. موقعیت کنونی محمل یک همبستگی سراسری برای برپایی مراسم های اول ماه مه است. زمینه

های این اتحاد و همبستگی بیش از هر دوره ای مهیا و قابل لمس است. اعتراضات ده ها مرکز صنعتی برای افزایش دستمزدها، علیه اخراج و بیکارسازی زمینه های مناسب این اتحاد و همبستگی را فراهم کرده است.

بدست گرفتن این میزان از ارتباطات سراسری و ایجاد گفتمان مناسب در جهت هماهنگی در شبکه های مرتبط برای تدارک روز جهانی کارگر گام اول باید باشد. با

ایجاد هماهنگی و تمرکز معین به منظور ابراز وجود قدرتمند موانع امنیتی نهادهای رژیم اسلامی را میتوان خنثی کرد.

در چند سال گذشته با وجود محدود بودن اعتراضات کارگری اما فعالین و دست اندرکاران جنبش اول مه مه توانستند در سطح معینی مراسم های مشترکی را برگزار و قطعنامه های مشترکی را نیز صادر نمایند.

فشار پلیس سیاسی و امنیتی کردن فضای سیاسی با تهدید و

دستگیری خود فاکتوری در راه محدودیتهای اول ماه مه خواهد بود! امسال تعداد زیادی از فعالین کارگری دستگیر و روانه زندان شدند، فشار امنیتی و تهدید هم وجود داشت، با وجود این فشارها اما موجی وسیع از اعتراضات و همبستگی در درون جامعه در دفاع از کارگران دستگیر شده هم بوجود آمد، که ابعاد و میزان حمایتها و اعتراضات در محکومیت دستگیرها از دوره های قبل هم بیشتر بود. کارگران و خانواده هایشان، مردم و جامعه آگاهانه در

مقابل فشار تهدید و امنیتی کردن فضای اعتراضی کارگران ایستادند، وجود این نقطه قوت و وجود فاکتور دخالت وسیع کارگران همراه خانواده هایشان در دفاع از کارگران زندانی زمینه مساعد و مثبتی است برای هماهنگی های بیشتر و مشارکت مساعد برای تدارک اول مه.

پیش شرط برگزاری اول ماه مه با شکوه در نظر گرفتن شرایط و عوامل مساعد در عرصه نزدیکی و برنامه مشترک بخشها و محافل و خانواده های کارگری است.

از صفحه ۱

## اخبار هفتگی ...

کرد و تازه بعد از آن شروع به پرداخت حقوق بقیه کارکنان دولت خواهند کرد. چندی قبل هم مسعود بارزانی رئیس حکومت اقلیم کردستان اعلام کرده بود که آنها تا پایان ماه آپریل توانائی پرداخت حقوق کارمندان دولت را دارند. جنگ لفظی حکومت اقلیم و دولت نوری مالکی بر سر سهم بیشتر از نفت، زندگی دهها هزار نفر از مردم کردستان را که جز کارمندان دولت هستند را به مخاطره انداخته و بسیاری از مردم به حق خواهان پرداخت فوری و بدون وقفه حقوقهای خود هستند.

امروزه هزاران نفر از کارگران کشورهای ایران، سوریه، ترکیه، هند، بنگلادش، ایتوپی و کشورهای عربی در کردستان عراق مشغول به کار هستند و بخشی از این کارگران جانبخته کارگران خارجی بوده که متاسفانه از کمترین حقوق و مزایای محیط کار برخوردار نیستند و گویا تنها بر اثر فشار سندیکای کارگران ساختمانی، صاحبان کار ناچار شده اند در مقابل جان باختن هر کارگر خارجی مبلغ ناچیزی را به خانواده کارگران جانبخته کمک کنند.

### حقوق کارمندان دولت در مناطق اقلیم کردستان همچنان با تاخیر پرداخت می شود!

اختلاف و بحران حکومت اقلیم کردستان با دولت مرکزی عراق بر سر حقوق کارمندان دولت همچنان ادامه دارد و حقوق هزاران نفر از کارمندان دولت همچنان با تاخیر پرداخت می شود.

در اوائل سال جاری تا هم اکنون دولت عراق از پرداخت حقوق کارمندان دولت در مناطق تحت حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد خود داری کرده و حکومت اقلیم هم تحت فشار و اعتراضات مردم با تاخیری چند ماه بخشی از حقوق کارمندان دولت را پرداخت کرده و در آخرین اظهار نظر رشید طاهر وزیر دارائی و اقتصاد حکومت اقلیم اعلام کرده که آنها از یکشنبه ۳۰ مارس شروع به پرداخت حقوق بازنشستگان و خانواده شهدا خواهند

### دو زندان مخفی حزب دمکرات کشف شد!

زندان دوم هم در همان شهر مصیف و در هتل میدا قرار دارد که این زندان هم برای مسولین رده بالائی حزب دمکرات می باشد که با سیاستهای رسمی حزب دمکرات مخالفت کنند. همین گزارش می آفراید که عبدال مهیمن بارزانی از مسولین گارد حفاظتی خانواده بارزانی جز دست اندرکاران این زندانها می باشد و او رسا می تواند هر کسی را زندانی کند و حتی برای از بین بردن مخالفین و کسانی که ممکن است خطراتی برای خانواده بارزانی ایجاد کنند اقدام نماید.

لازم به ذکر است که از بدو به قدرت رسیدن احزاب حاکم در کردستان عراق اذیت و آزار زندانیان و مخالفین احزاب حاکم و بویژه اتحادیه مهینی و حزب دمکرات در زندانهای این احزاب به یکی از مباحث میان مردم تبدیل شده، بطوری که بسیاری از مردم هم اکنون می گویند شرایط در زندانهای احزاب ناسیونالیست بر مراتب بدتر از زندانهای دوران حکومت بعث عراق خارج محروم می کنند.

است و در چند سال گذشته هم تعدادی از زندانیان در زندانهای این احزاب دست به خودکشی زده اند.

### جنگ و اختلاف بر سر پستهای دولتی، نشی ماه بعد از انتخابات مانع تشکیل دولت شده!

از انتخابات پارلمانی کردستان عراق بیش از شش ماه می گذرد، و این در حالی است که حزب دمکرات به رهبری بارزانی که بیشترین کرسی

های پارلمان را به خود اختصاص داده هنوز نتوانسته با هیچ کدام از احزاب دیگر دولت را تشکیل دهد. نشست روز یکشنبه ۳۰ مارس روسائی فراکسیونهای پارلمان هم عملا بدون نتیجه به پایان رسید. اختلاف و جنگ قدرت بر سر تقسیم وزرا و چگونگی اداره حکومت اقلیم و صد البته زدی و چپاول بیشتر از جانب احزاب حاکم عامل اصلی تشکیل نشدن دولت در شش ماه گذشته بوده .



افزایش دستمزدها و برخورداری از یک زندگی انسانی حق مسلم ماست!

## ناسیونالیسم کرد...

موضوعیت خود را از دست داده است و با توجه به روند تاریخی و اوج و گسترش مبارزات رادیکال اجتماعی و عرض اندام جنبش کارگری، قوم پرستی جای آنرا گرفته است که تنها چشم انداز امید بستن به شکافهای منطقه ای است. نقد و بررسی افق، سیاست و آرمانهای به تاریخ سپرده شده ناسیونالیسم از هر نوع آن و در شرایط امروز تحولات سیاسی در دنیا، موضوعات مهمی هستند که لازم است این ویروس خفته همچنان مورد نقد قرار بگیرد. نیروها، احزاب و جریانانات بنام ناسیونالیست و قوم پرست چه در کردستان یا در اوکراین و یا در هر جای دیگر که باشند، ناچارند برای سهم خواهی و رسیدن بقدرتی که شانس دست یابی به آنرا نداشته اند، افق و سیاستهای به بن بست رسیده خود را در ایجاد تفرقه در میان مردم منتسب به ملیتهای دیگر، نسل کشی و به قهقرا بردن کل مدنیت جامعه بنمایش بگذارند. این وجه اشتراک پدیده ناسیونالیسم و قوم پرستی است که بر بستر اوضاع و شرایط تاریخی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در هر جغرافیایی، در اشکال متناسب با آن منطقه ظاهر می شوند. این یکی از شاخص ترین وجه اشتراک در میان مدلتهای مختلف این گرایش مخرب است.

### یک توضیح

در شماره قبلی نشریه ایسکرا ۷۲۰ مطلبی تحت عنوان "بحران اوکراین یا جدال غرب و روسیه" از محمد آسنگران بچاپ رسیده بود که وقایع و روند اوضاع سیاسی در اوکراین را که بر بستر آن گرایشهای مختلف نه بر اساس بن بست و بحران سرمایه داری، تحولات سیاسی در جهان و تاثیر آن بر تحولات اعتراضی و انقلابی مردم اوکراین بلکه این تحولات را در چهارچوب رقابت مابین غرب و روسیه ارزیابی می کرد. این بررسی و تحلیل از اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از اوکراین از نظر من تحلیلی سطحی نگرانه از روند اوضاع در اوکراین است که شاید در جای دیگری بشود مفصل

ایران ۵۷ جمهوری اسلامی انقلاب مردم را با کمک دول غربی قاپید و یا در مصر و تونس تلاش کردند با کنار زدن مبارک و بن علی سیستم را دست نخورده سر جای خود نگه دارند و یا در اوکراین غرب و روسیه و دیگر جریانانات فاشیست، و ناسیونالیست قومی بازیگر میدان شده اند، ذره ای از حقانیت حرکت اولیه مردم برای دگرگونی در اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شان نمی کاهد. استارت شروع آنچه که در اوکراین زده شد برای پس زدن فساد و سیستم حاکم بر مردم اوکراین و علیه وضع موجود بود نه رقابت مابین غرب و روسیه. رقابت غرب و روسیه در سطوح بعدی است که وارد پروسه این تحولات می شود. در حال حاضر با تقسیم بندی جغرافیایی اوکراین مابین غرب و روسیه آنچه که روشن و مسلم است این کشاکش ادامه خواهد داشت. با این توضیح کوتاه و مختصر برمی گردم به نقش و جایگاه ناسیونالیسم و مدلتهای مختلف آن در کردستان و اوکراین و وجه تشابهات و تمایزات آنان در دوره کنونی.

### پروسه تاریخی

حکومتهای ملی - مرکزی فعلی در یک دوره تاریخی معین و بر بستر اوضاع و احوال شرایط جهانی و منطقه ای این اقبال را یافتند که قدرت و حکومت را در دست بگیرند. برای احیا و رونق نظامهای سرمایه داری که مختص به دوران مبارزات ضد استعماری در اشکال کلاسیک اوایل قرن بیستم بود، کشورهای بنام استعمارگر هر یک مناطقی از جهان را تحت سیطره خود داشتند و این پخت و قرعه به نام نیروهای ناسیونالیست و ملی که منافع اقتصادی خودی و طبقه معینی را نمایندگی می کردند در آمد. روند تاریخی تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این ضرورت را ایجاد می کرد که نیروها و جریانانات ملی و محلی برای کسب استقلال از دول استعمارگر دولتهای خودی تشکیل دهند و وظیفه غارت "سرمایه های ملی" توسط استعمارگران را اینبار خود بر عهده بگیرند. بعنوان یک ضرورت تاریخی در آن دوران در اکثر قریب به اتفاق این مناطق در دنیا ساختارهای محلی و منطقه ای شکل گرفتند.

این روند تنها به قد و قواره این تاریخ معین دوخته شده بود و در جریان پروسه سریع تحولات جهانی، اوضاع اقتصادی، سیاسی، رشد و گسترش مبارزه طبقاتی و اجتماعی در جوامع مختلف، امروز دیگر برای ناسیونالیسم بخت برگشته دوره حاضرین آرزو به تاریخ پیوسته است مگر اینکه در مواردی تحولات سیاسی معینی و بر بستر شرایطی مشخص سبب شود که این نیرو یا نیروهایی از این جریانانات بر بستر معادلات، رقابتها و شکافهای منطقه ای بقدرت پرتاپ شوند. حاکمیت احزاب ناسیونالیست عشریه ای در کردستان عراق یکی از این نمونه ها است. باندها و دسته جاتی که امروز در اوکراین نقش آفرینی می کنند نیز نمونه دیگری از این سناریو هستند که سر سوزنی به منافع و خواستههای مدرن و متمداندانه مردم و اعتراضاتشان برای یک زندگی شایسته انسان امروز ربطی ندارد.

### شیفت ناسیونالیسم به قوم پرستی

شاید این سوال مطرح شود که اگر این روند تاریخا دورانش بسر رسیده است پس چرا هنوز احزاب، نیروها و جریانانات ناسیونالیست همچنان داعیه حکومت یا داشتن مناطقی در حیطه نفوذ خود را دارند و برایش می جنگند؟. یکی از عوامل اصلی تحرك امروز ناسیونالیسم در شکل قوم پرستی آن بر می گردد به سیاست و عملکرد حکومتهای مرکزی در قبال مردم منتسب به ملیتهای دیگر در سراسر کشور. کردستان ایران یکی از این نمونه ها است. این سیاستها تاریخا با تبعیض، ستم و نابرابری علیه ساکنین مردم آن کشور که به ملیتهای مختلفی منتسب شده اند همراه بوده است. ناسیونالیسم کرد امروز با شعار استقلال و آزادی نمی تواند قد علم کند و بنوبه خود کشوری را خارج از قدرت و اراده حکومت مرکزی طلب و یا ایجاد نماید. اما بر بستر تبعیض و نابرابریهایی که حکومت در مرکز اعمال می کند ناسیونالیسم قومی و دیگر جریانانات مرتجع خود را تغذیه می کنند. ستم دستگاه حکومت مرکزی بهانه خوبی برای بقا و تغذیه چنین جریانی است که در شرایط و

اوضاع امروز اقله سهم خود را بگیرد. این سهم خواهی یعنی داشتن شرایط و موقعیتی مستقل از دولت مرکزی و بنا به امکان در اشکال، مستقل تر، یا فدرال و خودمختار و غیره. همانطور که بالاتر اشاره شد در کردستان عراق بر بستر جنگ خلیج و حمله نظامی آمریکا به عراق در مقطع فروپاشی بلوک شرق و در معادلات منطقه ای، این قرعه بنام ناسیونالیسم کرد در کردستان عراق در آمد و در شکل و شمایل امروز دارد حکومت می کند و احزاب و نیروهای تشکیل دهنده حکومت محلی در آنجا اکنون دیگر احساس می کنند سری در میان سرها دارند. با این تفاوت که ستم و نابرابری اعمال شده پیشین توسط حکومت بعث صدام حسین جا عوض کرده و امروز این وظیفه در همه ابعاد زندگی مردم توسط حکومت اقلیم کردستان نسبت به مردم کردستان عراق دارد اعمال می شود.

### پرتاب قوم پرستان به هرم قدرت

در اوکراین و بر بستر آنچه که در مقدمه این نوشته اشاره شد با توجه به اوضاع بحران زای اقتصادی معادلات جهانی و منطقه ای، تاریخچه، ساختار و متعاقب آن کشاکشهای غرب و روسیه و بسیاری مولفه های دیگر از بالا و با مهندسی افکار از سوی روسیه و بنام "رای گیری از مردم" محدوده ای با اعلام استقلال از اوکراین یعنی کریمه ایجاد شد. این اتفاق نه ربطی به مبارزات ضد استعماری برای کشوری مستقل در تاریخ دهه های گذشته دارد و نه ربطی به خواست و آرزوهای مردم اوکراین که برای یک زندگی بهتر دست به حرکتی انقلابی زدند دارد. اینجاست هم نیروهای ناسیونالیست، و حتی راسیست و فاشیست که بند نافشان به افق و آرمانهای ناسیونالیست اوکراینی وصل است و از یک آبخشور تغذیه می کنند، فرصت را غنیمت شمرده و در عدم حضور نیرویی چپ، کمونیست و کارگری که بتواند خواست و آرزوهای کارگران و کل جامعه را نمایندگی کند فعلا میداندار شده اند. روند این دست از اتفاقات چه در کردستان عراق در بیش از بیست سال قبل تا به امروز،

## میزگرد ایسکرا...

از صفحه ۱



**محمد آسگران:** برای هر اقدام مبارزاتی از جمله اول مه تشخیص تعادل قوای طبقاتی مولفه مهمی برای هر فعال کارگری است. تشخیص درست تعادل قوا کمک میکند که نوع و شکل و ابعاد حرکت خود را تعیین کنیم. تحلیل و ارزیابی درست از اوضاع سیاسی و تعادل نیروهای حاضر در صحنه کمک میکند که هم دشمن و تاکتیکهایش را بشناسیم و هم اتخاذ تاکتیک مناسب را در دستور قرار بدهیم. اگر این فاکتورها مهم است که هست، پس باید بدانیم جمهوری اسلامی و نیروهای سرکوبگرش امروز در مقایسه با سالهای قبل شکننده تر است و به همین اعتبار جنبش کارگری میتواند با اعتماد بنفس بیشتری دست به اقدامات کارسازی بزند. با این مقدمه اجازه بدهید وارد بررسی این فاکتورها بشویم.

واقعیت این است که بعد از سرکوب حرکت توده ای سال ۸۸ و کهریزکی کردن آن، هزاران فعال سیاسی و اجتماعی و کارگری ناچار به ترک ایران شدند و یا احتیاط و گوشه گیری را در پیش گرفتند. جنبشهای اجتماعی جوانان، زنان دفاع از حقوق کودکان و اعتراضات توده ای تا حدود زیادی دچار رکود و سکون شدند. تشکلهای آن، جی. او. ها یکی بعد از دیگری منحل و یا تعطیل شدند و یا به دلیل فضای امنیتی و سرکوب، بسیاری از آنها از دایره فعالیتی که میکردند خارج و دچار رکود شدند. بسیاری از رهبران و چهره های شناخته شده این جنبشها احتیاط و کنار ایستادن را پیشه کردند. طیف وسیعی از روشنفکران و هنرمندان معترض ناچار شدند یک قدم عقب نشسته و نوع و روش فعالیتشان را تغییر بدهند. ....

همزمان با این تحولات جنبش کارگری هم ضرباتی متحمل شد، تعداد قابل توجهی از فعالینش هنوز در زندان هستند و تعداد زیادی از

آنها درگیر پرونده سازیهای وزارت اطلاعات هستند. تعداد قابل توجهی از فعالین این جنبش در مراکز کارگری دستگیر و زندانی شدند... اما با این حال این جنبش از چنان کیفیت و کمیتی برخوردار بود که در دل همین فضای امنیتی هم قدم به قدم جلو آمده است. در دل این فضا تنها جنبشی که آرام اما محکم راه خود را ادامه داد جنبش کارگری بود. ابعاد اعتراض و مبارزات خود را از لحاظ کمی و کیفی ارتقا داد. همین حرکت ادامه دار و امیدوار کننده باعث شد که دیگر جنبشهای اجتماعی هم بعد از چند سال بتوانند دوباره کمر راست کنند و حرکت خود را آگاهانه تر و با تجربه بیشتری تجدید سازمان نمایند. در کنار این تحولات اجتماعی، بحران سیاسی و تورم و بحران اقتصادی در جمهوری اسلامی در سال آخر حکومت احمدی نژاد کل سیستم اقتصادی را با خطر فروپاشی مواجه کرده بود.

جنبشهای اعتراضی قدم به قدم خود را باز سازی کردند. تاثیرات این تحول و ابعاد اعتراض و ناراضیاتی جنبشهای اجتماعی و در راس آنها جنبش کارگری بعد از سرکوبهای سال ۸۸ توانستند چنان فضایی را ایجاد کنند که جمهوری اسلامی و بویژه جناح حاکم آن ناچار شد که تاکتیکش را تغییر بدهد.

در سال ۹۲ اگر خامنه ای و وزارت اطلاعات به کسی مانند روحانی رضایت دادند و نتوانستند کاندید مورد نظر خود (جلیلی) را از صندوق بیرون بیاورند، به دلیل قدرت جناح رفسنجانی و یا حمایت دوم خردادها و اصلاح طلبان از روحانی نبود. بلکه ترس و نگرانی جمهوری اسلامی از شورشیهای خیابانی و جنبشهایی اجتماعی و در راس آنها جنبش کارگری بود که کل رژیم و سیستم حاکم را به چالش میطلبید. این جدال دائمی اما آشکار و پنهان با رژیم اسلامی تعادل قوایی جدیدی را فراهم کرده بود. در دل چنین تعادل قوایی عقب نشینی جناح سپاه و خامنه ای به یک اجبار تبدیل شده بود. اما این عقب

نشینی نباید طوری مهندسی میشد که به معنی شکست قطعی آنها ترجمه شود.

بنابر این از نظر سپاه و خامنه ای این عقب نشینی که گوشه ای از آن "سیاست و طرح حل مسئله هسته ای و مذاکره با آمریکا" بود، باید به یک امر مهم و استراتژیک خدمت میکرد. آن طرح استراتژیک رژیم هم این بود که برای مقابله با خطر اساسی یعنی جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی لازم بود که جناح رقیب خود را کنترل شده به بازی بگیرند. به دنبال این تحولات جناح حاکم رژیم به کسی رضایت دادند که نه مستقیم از جناح رقیب باشد و نه میتوانست فرد شاخص و مورد نظر خامنه ای و سپاه باشد. این سیاست در واقع یک عقب نشینی نیم کلاج بود که یک آخوند شیاد و امنیتی به اسم روحانی را به راس قوه مجریه راند. اما مردم معترض متوجه شدند که میتوانند کل این دستگاه جنایت را به عقب نشینی وادار کنند.

بنابر این با یک مشاهده ای ساده هر کسی متوجه این حقیقت میشود که از دو سال قبل تا کنون جنبش کارگری با اعتراضات و اعتصابات خود قدم به قدم جلو آمده است. یکی از نمودهای دیگر این پیشروی و تعادل قوایی جدید، طومار چهل هزار امضا و اقدامات بعدی آن بود که جنبش کارگری توانست قدمهای مهمی را به جلو بردارد. طرح خواست دو میلیون حداقل دستمزد از جانب جنبش کارگری ایران فاکتور مهم دیگری بود که امروز صدای این طبقه را رساتر از همیشه کرده است. این جنبش تعادل قوا را تغییر داده است. میدان فعالیت دیگر جنبشهای اجتماعی را بیش از پیش فراهم کرده است. زندانیان سیاسی امروز بیش از هر دوره ای صدایشان به گوش جامعه جهانی میرسد. روشنفکران و هنرمندان و تمام اقشار ناراضی در متن چنین تحول و تعادل قوایی امروز میتوانند صدایشان را رساتر از پیش به گوش جامعه برسانند. این فاکتورها از یک طرف و افزایش دزدیهای میلیاردی سران حکومت از طرف دیگر کل جمهوری اسلامی را بیش از پیش بی اعتبار و

از صفحه ۳

## ناسیونالیسم کرد...

چه در یوگوسلاوی و امروز در اوکراین یا هر جای دیگر دنیا که به سوی قدرت پرتاب شده اند، وظایف مهم و خطیری را در مقابل احزاب و نیروهای چپ و کمونیست در کردستان ایران قرار می دهد. اگر قرار باشد چپ و کمونیسم از این رویدادها درسی بگیرد این است که نباید بگذارد در اوضاع و تحولات پیش رو در ایران این سناریوها بوقوع بپیوندد.

## کردستان ایران

شرایط و اوضاع سیاسی کردستان ایران با توجه به تقلابهای ناسیونالیسم کرد برای سهم خواهی از قدرت و به گفته رهبران حزب دمکرات کردستان که برای داشتن خاک و مرز و در صورتیکه حاکمیت چند روستا در اختیارشان قرار داده شود و حاضرند مجازات اعدام و دیکتاتوری را هم علیه مردم کردستان ایران اعمال کنند، بسیار متفاوت تر از شرایط و اوضاع اوکراین و کردستان عراق و مناطق دیگر است.

چپ در کردستان ایران پیشینه قوی دارد. این چپ در مقطع قیام و انقلاب ۵۷ جریان مذهبی و ارتجاعی مکتب قرآن را در سوراخ کرد. چپ و کمونیسم در کردستان تاریخا در مقابل حزب دمکرات کردستان ایران وزنه قابل ملاحظه ای بوده است. کومه له و حزب کمونیست ایران در آن ایام بعنوان سخنگو و نماینده چپ و آزادیخواهی قادر شد عرصه را هم بر ارتجاع مذهبی محلی مکتب قرآن و هم بر حزب ناسیونالیست کرد یعنی حزب دمکرات کردستان ایران

تنگ کند، در آن دوران اولی را از میدان بدر و بشدت حاشیه ای کرد و دومی را زمین گیر و در جریان یک جنگ تحمیل شده از سوی حزب دمکرات این جریان را از نظر نظامی و سیاسی شکست دهد و ماهیتش را برای مردم کردستان برملا سازد. امروز اما بمراتب چپ اجتماعی و کمونیسم در کردستان قوی تر از گذشته حضور دارد. از سوی دیگر بدلیل رشد و گسترش مبارزات کارگری و فضای چپ و رادیکالی که در جامعه کردستان علیه ارتجاع و علیه افکار عقب مانده نیروهای ناسیونالیست و قومی وجود دارد، آینده تحولات کردستان ایران به راحتی میدان مانور جریانات ناسیونالیست قومی نخواهد بود. قطعاً این احزاب و نیروها تلاش خود را برای رسیدن به افق و آرمانهای بن بست رسیده و دست نیافته شان خواهند کرد. از هم اکنون رسماً اعلام کرده اند که برای داشتن خاک و مرز خواهان اعمال دیکتاتوری و برقراری مجازات اعدام هستند اما چپ و کمونیسم اجتماعی، نیروهای کمونیست و حزبی چون حزب کمونیست کارگری در صحنه تحولات آینده سیاسی ایران و کردستان حضور دارند و نه تنها اجازه نخواهند داد که این جریانات جامعه را با تفرقه قومی بخون بکشند بلکه با تقویت و گسترش مبارزات چپ، کارگری و رادیکال اجتماعی مزاحمتها و سنگ اندازی های جریانات و احزاب قومی و ناسیونالیست را ترد و هر چه بیشتر حاشیه ای تر خواهند کرد.

۱ آوریل ۲۰۱۴

**اساس سوسیالیسم انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.**

## میزگرد ایسکرا...

نامشروع کرده است. در دل چنین تعادل قوایی امسال به استقبال اول مه میرویم.

با این حال جمهوری اسلامی با افزایش ۲۵ درصد دستمزد میخواهد زندگی چند برابر زیر خط فقر را به جامعه کارگری ایران تحمیل کند. خود رژیم اعلام کرده است که نرخ تورم چهل درصد است. با در نظر گرفتن همه این فاکتورها اول مه امسال میتواند روز زورآزمایی مهم و تعیین کننده ای برای جنبش کارگری باشد. جنبش کارگری نمیتواند و نباید این زورگویی آشکار را بپذیرد.

**ایسکرا:** بنظر شما تشکلهای کارگری موجود در عرصه مبارزات و اعتراضات کارگری چه نقشی را در مورد روز جهانی کارگر می توانند از خود بنمایش بگذارند و جنبش کارگری از این تشکلهای و فعالین کارگری چه انتظاری خواهند داشت؟



**نسان نودیبان:** برای جواب روشن به این سوال و دخالت جنبشهای اجتماعی به روز جهانی کارگر میپردازم. روز جهانی کارگر اعتراض و کیفرخواست کارگران و مزدبگیران جامعه به نظام سرمایه داری و استثمار و نابرابری طبقاتی است. این روز اعتصاب یک مرکز یا کارخانه معین نیست. مارش و اعتراض توده میلیونی کارگران است که آرمان و آرزو و خواستههای این طبقه و کارکنان جامعه و مردم را نمایندگی میکند. در ماه مارس امسال (۲۰۱۴) بخشهای وسیعی از کارگران و کارکنان بخش خدمات عمومی در آلمان وارد اعتصابات مداومی شدند. این اعتصاب بزرگترین اعتصابات این چند سال گذشته بود. اتحادیه «وردی» بزرگترین اتحادیه کارگران خدمات و حمل و نقل سازمانده و حمایت کننده این اعتصابات بود. بخشهای دیگر از تشکلهای کارگری و احزاب نیز با این اعتصاب همراه شدند. اول ماه مه به نظر من در این قالب و این نوع

حمایتها قابل تعریف است. در ایران مراسم و مارش اول ماه مه سنتی آشنا است. با انقلاب ۵۷ به صحنه سیاسی - اجتماعی جامعه وارد شد. و بعنوان روز اعلام کیفرخواست کارگران و کارکنان جامعه شناخته شده است. و همزمان روز جهانی زن و روز جهانی کودک نیز به این مراسمها افزوده شد.

این سه جنبش و فعالین این جنبشها با تجاری که ما در شهرها در ایران و شهرهای کردستان داریم دائما در ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با هم بوده و بر روند بالا بردن کیفیت مراسمها در روز جهانی کارگر، روز جهانی زن (هشت مارس) و فستیوال کودکان تاثیر گذاشته اند. این هم سرنوشتی محصول دوره ای معین از تحولات سیاسی - طبقاتی در ایران است. محصول انقلاب و اعتراض کارگران و کارکنان جامعه است. تجارب شخصی من و چیزی که من حداقل در چند سال گذشته دیده ام این را ثابت کرده که اعتراض کارگر در بهبود زندگی، حرمت و کرامت انسانی سایر اقشار اجتماعی تاثیر گذار و تعیین کننده است. طبقه کارگر در ایران سیاسی است. خودآگاهی او و آشنایی اش به منافع سیاسی، مطالبات و هم سرنوشتی اش با جنبشهای اجتماعی حاصل این وضعیت است. حمایت و همبستگی با مرزبندی ایدئولوژیک و سازمانی قابل تعریف نیست. اعتراض کارگر در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی مرزهای این نوع "سکت" سازمانی را درهم شکسته است. ما هم اکنون تعدادی از سخنگویان و فعالین کارگری را داریم که در جنبشهای اجتماعی زنان و کودکان، معلمان و دانشجویان، و در جنبشهای توده ای شخصیتهای شناخته شده، با اتوریته و قابل اتکایی هستند. مرزی بعنوان "تقدس" کارگر نزد اینها وجود ندارد.

**ایسکرا:** در فرهنگ و ادبیات جریانات و نیروهای سیاسی بنام چپ اینگونه القا شده است که روز جهانی کارگر گویا ویژه طبقه کارگر است و آنگونه که باید و شاید نقش آنچنانی را برای تشکلهای و فعالین جنبشهای اجتماعی در این رابطه قابل نیستند.

با این حساب آیا جنبشهای اجتماعی دیگر و فعالین این عرصه ها نباید در این روز در کنار کارگران باشند؟ پاسخ شما به این گونه مواضع چیست؟



**ناصر اصغری:** این "کج فهمی" ناشی از درکی از "مبارزه طبقاتی" است که من به آن کاریکاتور مبارزه طبقاتی می گویم. در این درک کارگر صنفی است مثل دیگر صنوف که روزی به نام آنها جشن گرفته می شود، حق و حقوقی دارند که مال صنف خودشان است. مشکل شان ربطی به بخش های دیگر جامعه ندارد و مشکل دیگران هم به آنها بی ربط است. در این تصویر از "مبارزه طبقاتی" کارگر و سرمایه دار در کارخانه های بزرگ و سر به فلک کشیده با هم روبرو می شوند و بر سر دستمزد، تشکلهای ایمنی محیط کار و امثالهم مبارزه می کنند. در این تصویر رایج در بین این "چپ"، امیدمی اعتیاد در جامعه مسئله کارگر نیست! بی حقوقی زن، تحمیل مذهبی، راسیسم علیه کارگران و پناهندگان افغانستانی، تبعیض آشکار، قانونی و علنی دولتی بر علیه همجنسگرایان، اقلیتهای مذهبی و قومی، مثله شدن کودکان در عراق و فلسطین مسئله اش نیست.

گفتم که این کاریکاتوری از مبارزه طبقاتی بیش نیست؛ برای اینکه عکس سه کلمه "کارگر"، "سرمایه دار" و "مبارزه" را کنار هم می کشد و بطور سوئیکتیو (ذهنی) هم مبارزه کارگر با سرمایه دار همین است. اما بطور آیکتیو (عینی) چنین نیست! سرمایه دار با هزار و یک رشته بعضا نامرئی بر کارگر و جامعه حکومت می کند. با کلیسا و مساجدش، با مدارس و دانشگاههایش، با رادیو و تلویزیونش و غیره. کارگر با سرمایه دار هم در همان هزار و یک رشته درگیر مبارزه است. در بسیاری از مواقع حتی از این جنگ و مبارزه اطلاع دقیقی هم ندارد. وقتی که خبر دروغی از مثلاً بی بی سی می شنود و بعد از دو فحش و ناسزا

کانال تلویزیونش را عوض می کند، این یک نوع اعتراض است. کارگری که نمی گذارد همسر رفیقش از بی دارویی جان بدهد، یا فقر درگیر است و در نتیجه با جامعه سرمایه داری می جنگد. کارگری که در اعتراض معتادان شرکت می کند، بند اسارتبار جامعه را به چالش کشیده است. کارگری که بر علیه خفقان و سانسور، بر علیه حجاب اجباری و سربازگیری اجباری و غیره مقاومت و مبارزه می کند قوانین اسارتبار جامعه طبقاتی را به چالش کشیده است.

می خواهم بگویم که مبارزه کارگر با سرمایه دار روزانه است و خودش را در تبعیضهای رایج در آن مملکت، در جنگ و گریز بر علیه بی حقوق کردن بیشتر و بیشتر زنان در جامعه، در اعتراض روزمره به تحمیل مذهبی، در سلاح اعدام و مخالفت با آن، در سانسور و ممیزی، در جنگ و گریز بر سر قوانین حاکم در جامعه و غیره نشان می دهد. اگر با مبارزه متحدانه فشار بر زن کمتر بشود، زندگی کارگر قابل تحملتر می گردد. اگر تحمیل مذهبی کمتر بشود، زندگی کارگر بهتر می شود. اگر تبعیض از جامعه رخت بر بندد، کارگران متحدرتر می شوند و زندگی شان قابل تحملتر می شود. و برعکس آن هم درست است. اگر کارگر با مبارزه اش افزایش دستمزدی به کارفرما و دولت کارفرماها تحمیل کند، کل جامعه نفع می برد. اگر با مبارزه اش سیاست بی کارسازی را عقب بزند، کل جامع منتفع می شود.

حال برگردیم به سؤال شما، به نظر من با توضیحاتی که بالا داده شد، هم فعالین کارگری و هم فعالین عرصه های دیگر جنبشهای اعتراضی در جامعه، دوش به دوش هم اول ماه مه را جشن می گیرند. طبقه کارگر، بعنوان یک طبقه، در روز اول ماه مه بعنوان رهبر جامعه مطالبه کننده مطالبات کل جامعه جلوی کل صف معترض در آن جامعه جلو می آید و در این مبارزه کل فعالین عرصه های دیگر مبارزه و جنبشهای اعتراضی دیگر را با خودش دارند. همچنانکه در جشن آدم برفی ها، در روز ۸ مارس، روز جهانی زن و غیره، فعالین جنبش

کارگری دوش بدوش فعالین جنبش زنان، فعالین حقوق کودک و غیره هستند و متحدانه و دوش بدوش هم علیه وضعیت موجود اعتراض می کنند.

اما خورشید زندگی آن "چپ" مورد اشاره شما در دنیای سیاست دارد غروب می کند. این "چپ" و این نوع "مبارزه طبقاتی" مورد نظر آن، "چپ" مائوئیست و استالینی و کلا چپ پوپولیست است که در ایران متعلق به نسل گذشته است. نسل جوان چنین تلقی و تصویری از مبارزه طبقاتی ندارد. در آینده نه چندان دور بازماندگان این تلقی از "مبارزه طبقاتی" بازتنشسته خواهند شد و دیگر من و شما هم درباره آن وقت تلف نخواهیم گفت.

**ایسکرا:** شما موانع جدی و اساسی برای برگزاری این روز را در چه چیزی توضیح می دهید و از هم اکنون چه اقداماتی را می توان برای برطرف کردن این موانع در دستور گذاشت که روز جهانی کارگر آنگونه که شایسته است برگزار شود؟



**عبدل گلبریان:** بنظر من اولین مانع ضدیت حکومت و نهادهایش در کردستان و در سراسر ایران در مقابل روز جهانی کارگر است. هر سال ما شاهد قلدرمنشی دم و دستگاه رژیم در بر خورد به روز جهانی کارگر و دیگر مراسمها و مناسبتهای دیگر بوده ایم. اما در مقابل این سد و مانع، فعالین و تشکلهای کارگری تمام تلاش خود را بکار گرفته اند که روز جهانی کارگر و پرچم خواست و مطالبات کل جامعه را بلند کنند. برای بلند کردن صدای حق خواهی خود و هم طبقه هایشان از سوی نهادهای سرکوب رژیم مورد اذیت و آزار هم قرار گرفته اند. علیرغم اینها من فکر میکنم اگر موانعی در صفوف خود کارگران، تشکلهای و فعالین کارگری یا فعالین عرصه های مختلف اجتماعی برای حمایت از روز جهانی کارگر وجود داشته باشد این است که

## دردی جانگاہ بنام زندگی کولبران در کردستان ایران!



امین کامانگر

استرس بی انتها؟. نسلهای آینده زمانیکه تصاویر وحشتناک ما را ببینند بما چنین می گویند، بیچاره گان عجب زندگی سختی داشته اند.

امروزه برای میلیونها انسان زندگی و زنده ماندن عبارت است از خوردن، آشامیدن، و تولید مثل آنهم در جدالی وحشتناک و بی انتها که معنی همه اینها در واژه ای به نام زندگی جای داده می شود.

نگاهی به زندگی اسفناک کولبران در کردستان ایران مهربیست بر این مدعا که تکنولوژی در خدمت کیست؟

هر روزه خبر تازه ای دریافت می کنیم. او تازه مدرسه اش تمام شده بود. اوپسر بزرگ خانواده بود. او تازه سربازیش تمام شده بود همراه پدر بزرگ و مادربزرگش زندگی می کرد. او تازه ازدواج کرده و هنوز يك ماه از عروسیش نگذشته بود. او پنج تا بچه كوچك دارد. او سر پرست يك خانواده ۹ نفره است. او ۶۰ و اندی سال داشت. او ۱۴ سال بیشتر نداشت از فقر و بیکاری خانواده، مجبور شد مدرسه را رها کند. اهل فلان روستا و فلان شهر. او... و او های دیگر که تنها نان آور خانواده هستند راه پر مخاطره کولبری را به سوی مرز عراق پیش گرفتند. آنها

دیگر، هیچگاه باز نگشتند.

در دل کوههای جنگلی مرزهای ایران و عراق مبارزه ای همه جانبه و بی امان برای زندگی و زنده ماندن در جریان است. لشکری از انسانها در سنین مختلف در جاده ها و کوره راههای حیوان رو و هراس انگیز در رفت و آمدند و از هیچگونه امنیت جانی و مالی ای بر خوردار نیستند.

در سرمای سرد زمستان و در گرمای وحشت انگیز تابستان زیر سایه ترس از جان، در مناطق صعب العبور باید گذر کرد. باید کار کرد و کار کرد تا زنده ماند. باید قوی بود، قدرت داشت و بار سنگینی را برداشت و حمل کرد تا در مقابل پولی برای نان کودک چشم براه دریافت شود. مسافت چندین و چند ساعت نیست، شبها و روزهای پی در پی در مرزهای این دو کشور که به دور و نزدیک بودن شهرها و روستاهای کردستان ایران بستگی دارد. باید مدتها کار کرد تا اگر کسانی آینده ای برایشان باقی بماند بتوانند با قرض کردن پولی از دیگران چهار پایی را بخردند (اسب یا قطر) تا درآمد داشته باشند. هر چند این چهارپایان هم بارها و بارها از طرف مأموران مرزی به رگبار بسته شده اند و هر بار تعدادی از آنها راکشته اند.

اکثریت کارگران کولبر را افراد فقیری تشکیل می دهند که فقط و فقط جهت امرار معاش خود و خانواده هایشان به این کار خطرناک

مهمی در عرض اندام جنبش کارگری علیه وضع موجود است.

در پاسخ به بخش دوم سوال باید بگویم که تشکلهای فعالین کارگری و همچنین فعالین رادیکال عرصه های مختلف اجتماعی نظیر فعالین عرصه جنبش برابری طلبانه زنان و مردان، جوانان، دانشجویان و غیره که این روز را روز خود می دانند می توانند از هم اکنون تلاش کنند که يك فضای عمومی از روز جهانی کارگر و خواستها و مطالباتش را در سطح جامعه و در میان مردم ایجاد کنند.

از بحث و گفتگو در جمعها و محافل مختلف گرفته تا ارتباط و هماهنگی با هم برای امر

روی آورده اند و هر ساله صدها نفر از آنان جان خود را در این راه از دست می دهند از جمله عده ای توسط انفجار مین، عده ای توسط سرمای سرد زمستان، عده ای توسط ریزش بھمن و اکثریت بدست مأموران نیروی انتظامی نظام ضد انسانی اسلامی ایران کشته می شوند.

این شیوه زندگی مردم را بخصوص جوانان را از درون، دگرگون می سازد و به آنها آموزش میدهد که چگونه بیزاری خود را نسبت به حاکمان اسلامی و نمایندگان

سازماندهی، تا طرح خواست و مطالبات در بیانیه و قطعنامه ها، پر کردن سطح شهر و محلات و مراکز و محلهای کار و زندگی از شعار و هر آنچه که به این روز مربوط است، از آن دسته از اقداماتی است که می توان انجام داد.

از تلاش چندین تشکل کارگری و حمایت تشکلهای فعالین عرصه های مختلف اجتماعی برای فشار آوردن به نهادهای رژیم مبنی بر اینکه نباید مانع از برگزاری روز جهانی کارگر شوند تا بکارگیری ابتکارات دیگر همچون برگزاری این مراسمها در سالنها و با شرکت صدها و هزاران نفر در مراکز شهرها



گان خدا بر روی زمین نشان دهند. بانی و باعث بیکاری و مرگ و فقر و فلاکت این مردم همین حکومت غیر انسانی اسلامی ایران است. تا این حکومت وجود دارد فقر و ناداری بی آیندگی، کشتار و بی امنیتی از هر لحاظ نه تنها برای کولبران و مردم کردستان بلکه برای همه مردم ایران وجود دارد.

۲۹ مارس ۲۰۱۴

آن دست از اقداماتی است که از هم اکنون می توان در دستور گذاشت و برایش کار کرد. تلاش برای شرکت دادن توده هرچه وسیعی از کارگران، خانواده های کارگری و مردم یکی دیگر از اقدامات فعالین برای شرکت دادن سازماندهی شده در این روز است. شرایط و اوضاع امروز در شهرهای کردستان و در سراسر کشور و فضای اعتراضی مردم نسبت به فقر و فلاکت موجود نسبت به گذشته بر مراتب بیشتر است. این فضا و این موقعیت را باید شناخت و روز جهانی کارگر را تعرضی تر از هر دوره ای علیه فقر و فلاکت تحمیل شده توسط حکومت برگزار کرد.

شده توسط حکومت برگزار کرد.

از صفحه ۵

### میزگرد ایسکرا ...

نگاه کنند، تردیدی نباید داشت که می توان حتی موانع ایجاد شده توسط رژیم و نهادها را نیز در هم شکست و اول مه قدرتمند، توده ای و اجتماعی بزرگی را برگزار کرد. فعالین و تشکلهای کارگری همانگونه که برای جمع آوری امضای طومار چهل هزار نفری کارگران ظاهر می شوند، بمراتب برای برگزاری روز جهانی کارگر نیز می توانند در این اشل و قدرتمند تر ظاهر شوند. برای برگزاری يك اول مه قدرتمند در نظر گرفتن منافع جنبش کارگری علی العموم از سوی تشکلهای فعالین کارگری فاکتور

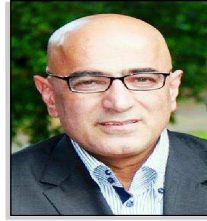
باید خود را از دایره و محدوده تشکل خود، گرایش سیاسی و فکری خود، و هر آنچه که تشکلهای فعالین کارگری را در چهارچوب فکری و نظری دست و بالشان را می بندد خارج سازند.

به باور من اگر تشکلهای فعالین کارگری مراسمهای روز جهانی کارگر را بدور از هرگونه تعصب فکری، تشکلی و یا کارخانه ای نگاه کنند و با انعطاف بر سر طرح مطالبات و خواستها و همچنین بر سر چگونگی برگزاری آن از زاویه منافع جنبش کارگری در این روز

## نگاه هفته

مجموعه ای از  
رویدادهای هفته  
در شهرهای گردستان

نسان نودینیان



که در نظام دزد و جنایتکار جمهوری اسلامی در جریان است.

ما مردم شهرستان سروآباد را فرامیخوانیم به اعتراضات عادلانه خود ادامه دهند. و افزایش چهارصد درصدی انشعاب برق را نپذیرند.

تجمع توده ای و اشغال موسسات و اداره برق شهرستان سروآباد تا رسیدن به نرخ مناسب قبلی ۲۰۰ هزار تومان خواست محوری این اعتراضات است. جواب دزدی و فساد مالی و افزایش بی رویه نرخ برق و نرخ انشعاب برق را باید با اعتراضات کوبنده و مداوم داد.

**افزایش ۴۰۰ درصدی نرخ برقراری انشعاب برق در شهرستان سروآباد و روستاهای تابعه آن سبب افزایش اعتراضات گسترده مردم این شهرستان شده است.**

قیمت برقراری انشعابات برق در ماههای گذشته در شهر سروآباد ۲۰۰ هزار تومان بود. دولت این مبلغ را به ۸۵۰ هزار تومان افزایش داد و بدین ترتیب مشکلی بر مشکلات دیگر مردم افزوده شد. همچنین قیمت برقراری انشعابات برق در مناطق روستایی این شهرستان از ۷۵ هزار تومان به ۳۵۰ هزار تومان افزایش یافت و سبب گسترش موج اعتراضات ساکنین روستاهای تابعه این شهرستان شده است. هم اکنون بیش از ۹۷ درصد جمعیت شهرستان سروآباد در مناطق روستایی ساکن هستند و روز به روز نیز بر تعداد خانوارها در این روستاها افزوده می شود و خرید امتیاز برق برای خانه های تازه ساخت با هزینه ای چند برابر غیر منطقی به نظر می آید.

**کارگران پنج ماه حقوق معوقه در واحد تعمیر و ماشین الات اداره کل راه و ترابری سنج**

به گزارش رسیده ۱۵ نفر از تعمیرکاران اداره کل راه و ترابری شهر سنج که مکانیک بیاتری ساز و آهنگر می باشند حدود ۵ ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده اند و همچنین این اداره از دادن عیدی و پاداش و دیگر مزایا به آنان نیز سر باز می زند که همگی آنان به مدت یک هفته است که دست از کار کشیده و هم اکنون در اعتصاب به سر می برند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری- ۲۴ اسفند ۱۳۹۲

**تاکید بر ضرورت ایجاد وحدت در میان فعالان و تشکل های واقعی کارگری**

جلسه مشترک عده ای از فعالان کارگری از شهرهای مختلف در ایام عید در شهر سقز تشکیل شد. در این جلسه بر ضرورت گسترش و هماهنگی فعالیت های کارگری در سراسر کشور تاکید گردید و نظرات مختلف در جهت ایجاد تشکل سراسری مورد بحث قرار گرفت. تاکید همگان بر آن بود که حاکمیت سرمایه داری با همه جناح های خود در جهت جلوگیری از گسترش فعالیت های کارگران هماهنگ و متحدانه عمل میکنند. این جناح های متحد در هماهنگی با یکدیگر در سرکوب کارگران و تضییع حقوق آنان تلاش میکنند. همچنین اقدامات اخیر دولت از قبیل تعیین حداقل دستمزد مصوب شو رای عالی کار و تاکید بر تداوم سیاست حذف یارانه ها توهمات موجود در بین برخی محافل سازشکار کارگری نسبت به دولت تدبیر و اعتدال و امید!!! را آشکار ساخته. اکنون بیش از هر زمان احساس میشود که فعالان و تشکل های واقعی کارگری، در یک برنامه هماهنگ به تدوین سازو کارهای مناسب برای دفاع از کارگران اقدام نمایند. (منبع: نسایت کانون مدافعان حقوق کارگر)

**اجرای قانون مشاغل سخت**

**وزبان آور در خصوص کارگران «شاطر»**

«عبدالله بلوایی» عضو هیات مدیره انجمن صنفی کارگران خباز میروان و سروآباد خواستار اجرای قانون مشاغل سخت و زیان آور در خصوص کارگران «شاطر» شد؛ در هر نانویی ۴ حرفه مشغول به کارند. «شاطر» که نان می پزد، «پیشکار» که نان را از تنور بیرون می آورد، «خمیرگیر» که خمیر را چونه می گیرد و «واپر» که خمیر را پهن می کند. از این بین، شاطر که به صورت دائمی در معرض حرارت تنور قرار دارد باید مشمول قانون مشاغل سخت و زیان آور قرار گیرد. وی ادامه داد: البته حرفه های پیشکاری، خمیرگیری و واپری هم سختی های خاص خودشان را دارند و باید مشمول قانون مشاغل سخت و زیان آور قرار بگیرند اما شاطر در اولویت قرار دارد. حرارت دائمی تنور منجر به سردرد، چشم درد، سینوزیت... شاطر می شود. هر ۴ کارگر نانویی روزانه بیش از ۱۵ ساعت روی پا می ایستند که احتمال بیماری هایی نظیر دیسک کمر، دیسک گردن، آرتروز و واریس پا را در آنها تقویت می کند. همچنین گرد و غبار آرد که در فضای نانویی پخش می شود برای ریه کارگران به شدت مضر است. بلوایی در پایان با بیان اینکه شاطر نانویی سنگ ها مشمول قانون مشاغل سخت و زیان آور محسوب می شوند از عدم اجرای این قانون در خصوص کارگران خباز میروانی انتقاد کرد. (منبع ایلنا)

**اطلاعیه شماره ۱۱ کمیته دفاع از کارگران دستگیر شده مهاباد - محمد مولانایی در بیمارستان مهاباد بستری شد**

روز چهارشنبه ۶ فروردین سال ۱۳۹۳، محمد مولانایی کارگری زندانی که برای مدت ۵ روز به مرخصی آمده بود، در بیمارستان امام خمینی مهاباد با تجویز دکترها برای معالجه آرتروز، فشار خون بالا و عفونت ریه ها بستری شد. محمد مولانایی ۷۶ سال سن دارد و به جرم فعالیت های کارگری، دستگیر و زندانی شده است. کمیته دفاع از کارگران دستگیر شده بار دیگر،

بازداشت این کارگر ۷۶ ساله که به جرم دفاع از طبقه کارگر به زندان محکوم شده است، را محکوم ملامت و همچنین اعلام می کنیم که مسئولیت امنیت جانی این کارگر زندانی بر عهده قوه قضائیه است. کمیته دفاع از کارگران دستگیر شده مهاباد

**اطلاعیه شماره ۱۰ کمیته دفاع از کارگران دستگیر شده مهاباد - اطلاعیه کارگران دستگیر شده مهاباد پیرامون تعیین دستمزد کارگران در آستانه سال نو**

دستمزدهای به مراتب زیر خط فقر، عیدی شورای عالی کار به کارگران

ماه آخر هر سال، شورای عالی کار که مرکب است از نمایندگان دولت به عنوان کارفرمای بزرگ، نمایندگان کارفرمایان بخش خصوصی و نماینده تشکل های دولتی در محیط کار، برای توده کارگر حداقل دستمزد تعیین می کنند. امسال نیز به روال سال های قبل دستمزد چند برابر زیر خط فقر را به کارگران تحمیل کردند. کارگر نیروی کارش را در بازار به سرمایه دار به فروش می رساند تا در مقابل برای امرار معاش خود و خانواده اش مزد دریافت کند. او با دستمزدی که از این طریق به دست می آورد، هزینه ی خوراک، پوشاک، مسکن، تحصیل فرزندان و... را می پردازد تا بتواند برای ادامه ی حیات و فروش دوباره نیروی کار به صاحب سرمایه، تجدید قوا کند. به دلیل وجود نابرابری و تضاد طبقاتی در مناسبات اجتماعی کنونی، تعیین دستمزد نیز واقعی نیست و کارگران فقط بخشی از حاصل دسترنج خود را دریافت می کنند و بخش دیگر از آن را سرمایه داران تصاحب می کنند. اما آنچه که امروز به یک معضل اساسی برای طبقه کارگر در ایران تبدیل شده و کارگران زیادی با این مشکل مواجه اند، پرداخت نشدن همان دستمزدها و مزایای ناچیز و زیر خط فقر است. در سال های اخیر عدم پرداخت حقوق کارگران توسط سرمایه داران، روز به روز گسترش

یافته و به امری رایج و متداول تبدیل شده است. این روند باعث شده که بخش های مختلفی از طبقه کارگر، همواره با این معضل دست به گریبان باشند و از راه های مختلف برای گرفتن مطالبات خود، دست به مبارزه بزنند. کارگرانی که با مشکل حقوق های معوقه مواجه اند از راه های مختلف، از جمله تجمع، تحصن، راهپیمایی و اعتصاب و اشکال دیگر اعتراض و مبارزه، به شرایط اسف باری که صاحبان سرمایه برای آنان رقم زده اند، اعتراض می کنند. سرمایه داران همواره در برابر اعتراض های کارگری برای گرفتن مطالبات معوقه، به بهانه هایی از جمله رکود و ورشکستگی، کمبود منابع و امثال آن، از پاسخ گویی به کارگران طفره می روند و آنها را به راه روهایی وزارت خانه ها و دیگر نهادهای دولتی ارجاع می دهند. امسال نیز با برجسته کردن این موضوع که گویا افزایش دستمزد کارگران باعث ازدیاد تورم خواهد شد، بار دیگر فقر و فلاکت بیشتری را می خواهد بر جامعه تحمیل کنند. تشکل های دولتی در محیط کار که ظاهراً به نفع طبقه کارگر چانه می زنند. روندی که در موارد متعدد، بی حاصل بودن خود را به اثبات رسانده و نتیجه ای جز کشمکش ها و چانه زنی های بیبوده با بورکراسی پیچیده اداری، فایده دیگری برای کارگران در بر نداشته است. اما واقعیت این است که هیچ دلیل و بهانه ای برای کارگران پذیرفتنی نیست و آنها با مشاهدات روزانه خود متوجه این مسئله شده اند که از حاصل زحمت آنهاست که سرمایه داران فریه و فریفت می شوند و بسیاری از معادلات اقتصادی سرمایه و سود و زیان ناشی از آن، هیچ ربطی به آن ها ندارد. کارگرانی که ماه های متوالی حقوق خود را دریافت نمی کنند، حق دارند از سرمایه داران پرسند که آیا آن ها می توانند حتی یک روز چنین شرایطی را تحمل کنند؟ واقعیت این است که با وجود بحران اقتصادی موجود، طیف وسیعی از کارگران اخراج شده و به ارتش بیکاران ملحق شده اند، تعداد کودکان کار به شدت افزایش یافته، رواج فقر و تن فروشی کماکان بیداد می کند و طیف

وسیعی از کارگران و فعالین کارگری را به بهانه‌های واهی دستگیر و زندان کرده‌اند. ما ضمن تبریک سال نو، اعلام می‌کنیم که کارگران برای رسیدن به مطالبات و پرداخت حقوق خود، به اتحاد و همبستگی بیشتری نیاز دارند. کارگران مراکز تولیدی باید تلاش کنند تا با ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری و حمایت از هم دیگر، تمامی حقوق‌های معوقه خود را طلب کنند و نسبت به دستمزدها ناچیز تعیین شده از طرف شورای عالی کار اعتراض کنند.

کمیته دفاع از کارگران دستگیر شده مه‌باد

### دیدار جمعی از فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی با فعال کارگری محمد مولانایی

چندی پیش در آستانه سال نو، جمعی از فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری شهرهای سنندج و کامیاران برای دیدار و اعلام حمایت خود از فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی "محمد مولانایی" به منزل ایشان در شهر مه‌باد رفته و با نامبرده که برای درمان بیماری آرتروز در مرخصی استعلاجی به سر می‌برد ملاقات کردند. محمد مولانایی ۷۶ ساله عضو کمیته هماهنگی است که تنها به جرم دفاع از حقوق خویش و سایر کارگران و زحمتکش‌مانند خود از طرف دستگاه قضایی شهر مه‌باد به تحمل ۱ سال حبس تعزیری محکوم شده و روانه زندان شد که در تاریخ ۲۷ اسفند ۹۲ بعثت کهرولت سن و رنج بسیار از بیماریهای متعدد آرتروز- بیماری قلبی و ناراحتی کلیه و جهت درمان به مدت ۵ روز به وی مرخصی داده شد. دیدارکنندگان با محمد مولانایی حمایت همه جانبه خود و به خصوص کمیته‌ی هماهنگی را از نامبرده و سایر فعالین کارگری و اعضای دربند کمیته‌ی هماهنگی که متحمل حبس هستند را اعلام داشته و خواهان آزادی بی قید و شرط نامبردگان در اسرع وقت می‌باشد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

۵ فروردین ۱۳۹۳

### احضار عباس هاشمی، فعال کارگری

بنابر خبر رسیده در تاریخ ۲۸ اسفند ماه ۱۳۹۲ عباس هاشمی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری به اداره اطلاعات شهر آشنویه احضار شد. عباس هاشمی به مدت ۴ ساعت و نیم مورد بازجویی قرار گرفته و در این مدت مامورین ایشان را تحت فشار قرارداده بودند که از کمیته هماهنگی استعفا دهد در غیر این صورت به زندان انتقال خواهد یافت. تقاضای اداره اطلاعات آشنویه از فعال کارگری عباس هاشمی با مخالفت شدید از طرف این فعال کارگری روبرو شده بود که نهایتاً آن اداره مجبور به آزادی ایشان شد. ما اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری احضار و تهدید عباس هاشمی و دیگر فعالین کارگری را به هر شکلی و تحت هر عنوانی محکوم می‌کنیم. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ۵ فروردین ۱۳۹۳

### جانباختن کارگر ساختمانی به دلیل ناامنی محیط کار

ظهر روز دوشنبه ۹۳/۱/۴ کارگری با نام "مسلم ساعدی" از اهالی روستای دویسه از توابع سنندج که در ساختمانی در شهرک دکابان روبروی بیمارستان توحید سنندج مشغول بکار بود حین کار دچار حادثه شد و جان خود را از دست داد. این کارگر که بوسیله بالابر مشغول جابجایی مصالح ساختمانی به داخل طبقات ساختمان بود به علت از جا کنده شدن دستگاه بالابر و در نتیجه سقوط آن از طبقه هفتم ساختمان افتادن دستگاه بر سر و بدنش دچار حادثه شده و در دم جان خود را از دست می‌دهد نبود امنیت در محیط کار و ناچیز بودن سطح ایمنی وسایل و ابزار کار روزانه باعث جانباختن هزاران کارگر مانند مسلم ساعدی است که کارفرمایان به دلیل زیاده خواهی و سود بیشتر کمترین توجه را به این امر دارند ما اعضای

کمیته هماهنگی نیز جان باختن این کارگر را به دوستان و اعضای خانواده این عزیز از دست رفته تسلیت عرض می‌نماییم. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ۶ فروردین ۱۳۹۳

### زندان و دستگیری

سردار پرستار (فعال دانشجویی) از سوی نیروهای ستاد خبری اداری اطلاعات شهرستان سقز بازداشت شد. سردار پرستار اواسط تیرماه سال گذشته به دنبال انتقاد از سعید جلیلی، نامزد انتخابات خردادماه ۹۲ از دانشگاه آزاد اسلامی تهران - واحد علوم و تحقیقات اخراج و از تحصیل محروم شده بود. و نهم فروردین‌ماه در سقز بازداشت گردیده از وضعیت و سرنوشت سردار پرستار اطلاع دقیقی در دسترس نمی‌باشد.

**مه‌باد:** به گزارش "هرانا" دستگاه قضایی رژیم "سامرند فرهمندی" یکی از اهالی روستای "آیندرفاش" از توابع مه‌باد را به ۱۰ سال زندان محکوم نمود. بیک منبع مطلع اتهامات سامرند فرهمندی را امنیتی و سیاسی عنوان کرده است ولی از جزئیات اتهامات و مستندات دادگاه برای محکومیت وی اطلاع بیشتری در دست نیست. این جوان ۲۳ ساله قبلاً نیز به دفعات توسط نیروهای امنیتی رژیم احضار و بازداشت شده بود.

### مرگ ناشی از مصرف الکل آلوده

یکشنبه ۱۰ فروردین ماه "شاهو فتحی" بر اثر مصرف مشروب آلوده جان خود را از دست داد. شاهو فتحی که حدوداً ۳۰ سال سن و دارای زن و فرزند بعثت مصرف مشروبات آلوده جان باخت. قابل ذکر است که تاکنون دهها تن در شهرهای مختلف ایران بر اثر مشروبات آلوده جان باخته یا ناقص العضو شده‌اند.

### خودکشی

۷ فروردین: "شرمین قدرتی" ساکن روستای "گولانه" از توابع شهر دیواندره اقدام به خودسوزی کرد. شرمین ۲۵ ساله و صاحب فرزند که گفته می‌شود به دلیل اختلافات خانوادگی دست به خودسوزی زده بود، قبل از انتقال به بیمارستان شهر دیواندره بر اثر شدت جراحات ناشی از سوختگی متأسفانه جان خود را از دست داد.

### در هفته گذشته قلب سه

**مادر عزیز (حمیرا نجیبی)، طلعت حنیفه پور و فاطمه بوستان چی) در شهرهای سنندج و سقز از تپش ایستاد.**

رفیق توفیق پیرخضری در ارتباط با مادرش نوشته است: یادی از مادر عزیزم حمیرا نجیبی (دایه حمیرا) روز شنبه نهم فروردین ماه قلب سرشار از امید و آرزو به رهائی انسان از نظام ضد انسانی سرمایه‌مدار در سن ۸۰ سالگی در یکی از بیمارستانهای شهر سنندج از تپش ایستاد. خبر فوت دایه حمیرا مایه تأثر و اندوه فراوانی برای بستگان و دوستانشان گردید... دایه حمیرا از زمره آن دسته از مادران فداکار و مبارز شهر سنندج بود که شجاعتش ورد زبانها بود. او سمبل زنی عدالتخواه و برابری طلب بود. دایه انسانی دلسوز و تکیه گاه جوانان انقلابی و کمونیست بود، دایه در دفاع از ارزشها و آرمانهای کمونیستی هیچ ابائی نداشت و در مقابل مرتجعین محکم و استوار می‌ایستاد. منزلش مکانی گرم و امن برای جوانان رادیکال و انقلابی بود. دایه حمیرا بدلیل نزدیکی با شخصیتهای مبارز و قدیمی سنندج و مریوان، شخصیتهایی امثال رفقای جانباخته ایوب نبوی و حسین پیرخضری و همچنین دهها شخصیت دیگر که خوشبختانه در قید حیات می‌باشند و همچنین بعنوان مادر پیشمرگ (توفیق پیرخضری) و روابط بسیار گرم با خانواده جانباختگان و مبارزین. به شخصیتی انقلابی، آگاه و امیدوار برای رهائی انسان از قید نظام ضد بشری سرمایه‌تبدیل شده بود. از تهران و کرمانشاه و کامیاران و سنندج سقز و مریوان و بوکان و..... با شخصیتهای سیاسی و خوشنام روابط داشت، منزلش مکانی امن و گرم برای پذیرایی از انسانهای شریف و آزادی خواه بود. دایه حمیرا به مسافرت علاقه فراوانی داشت آنهم برای دیدار و روابط با انسانهای شریف و مبارز بود. تلاشهای روز مره دایه حمیرا و دفاع سر سخت او از آرمانهای کمونیستی در زندگی فرزندان و اطرافیانش و بخش زیادی از جوانان شهر و روستاهای سنندج و مریوان و کامیاران تأثیرات مثبتی بدنبال داشت. دایه حمیرا بارها توسط



## فاصله بردگی و آزادگی شعری از معلم زندانی رسول بداعی



فاصله بردگی و آزادگی  
دل‌م‌گروگان‌کودکی‌است  
بس‌بی‌گناه

مادری بی‌کس و کار  
از این پس، تنها  
اندیشمندی، سر به دار است،  
سحر

کجاست رویاهای کودک او؟  
میان همه‌م‌کودکان‌شهریازی؟  
یا غوغای مهمانیهای هزار  
فامیل؟  
در گهواره خوشبختی های باد  
آورده یا  
مست خنده قلقلک‌های پدر؟  
++++  
نه، نه، هیچ‌کدام  
پشت دیوار پیچ در پیچ زندان،  
در خیالات وهم‌آلود سیاست،  
زندان و مرگ و شکیبایی،  
در پای دیوار چشم‌انتظاری  
در تماشای اینهمه سنگدلی  
در رویای واپسین بوسه‌های پدر  
به دنبال معنای اشک پنهان  
مادر  
+++++  
سراغ خدا را از که باید گرفت؟

گل‌وله‌های سربیی؟  
چوبه‌های دار؟  
یا دیوارهای هزار پستوی زندان؟  
گل‌بانگ مسجد‌های شهر؟  
لابلای کتاب هوسناک قانون،  
یا مردمان سر در گریبان بی  
درد؟  
++++  
کدام اسباب بازی؟  
کدامین بوسه‌ها؟  
کدامین خاطرات؟  
تلخی حکم‌بیدادگران را  
از خاطرش خواهد زدود؟  
+++  
پدر آنجاست هنوز!  
پایش چرا یک وجبی،  
با زمین فاصله دارد؟  
مادرش با گریه گفت!

این است فاصله بردگی و آزادگی  
رسول بداعی، زندان رجایی شهر  
این شعر بسیار زیبا را وسیعاً  
پخش کنید. رسول بداعی را بعد از  
سی سال سابقه کار بعنوان دبیر در  
اسلام شهر بعد از سال ۸۸ دستگیر و  
قاضی صلواتی او را به اتهام تبلیغ  
علیه نظام به شش سال حبس و پنج  
سال محرومیت از فعالیت های  
اجتماعی محکوم کرد. رسول بداعی  
در زندان بارها اعتصاب غذا کرده و  
به این حکم بیش‌مرمانه حکومت  
اسلامی اعتراض کرده است. او  
هیچگاه مرخصی نرفته است.

### بازتکثیر از کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

دلسوزی و استگویی و کمک به  
دیگران را از وی آموختیم. به شدت  
از ظلم کردن به دیگران بیزار بود. و  
سنگ صبور همه بود و لیست  
بزرگی از خوبیها را میشود ردیف  
کرد. یادش برای همیشه در قلبمان  
خواهد بود.

کمیته کردستان حزب کمونیست  
کارگری به خانواده گرامی این  
عزیزان تسلیت می‌گوید. یاد  
عزیزشان گرامی است.

است: دیروز قلب مادر عزیزم از  
طیش باز ایستاد، بعد از سکنه  
مغزی قلبی، و نزدیک به ۳۵ روز  
دست و پنجه نرم کردن با مرگ  
، متأسفانه توان مقاومتش تمام شد  
و ما را در سوگ و ماتم گذاشت، از  
زمانی که بیاد دارم مادر عزیزم را  
مشغول کار و زحمت در خانه دیدم  
او به نحو احسن ۸ فرزندش را بزرگ  
کرد، او نه تنها یک مادر دلسوز و  
مهربان بود بلکه یک معلم فرزانه بود  
، همیشه به ما یاد میداد که از هیچ  
مشکلی نهراسیم، مهربانی

این رابطه نیز با جمع زیادی از  
شخصیتهای سیاسی که برای دیدار  
پیش او می رفتند دوست و صمیمی  
شد. مادری جذاب و دوستداشتنی  
بود برای برقراری روابط هنر خاص  
خودش را داشت، خیلی زود جای  
خودش را در میان آشنایان جدید  
بعنوان دوست و یار صمیمی پیدا  
می کرد. یاد و راه پر افتخارش  
گرامی باد

سعید ویسی در ارتباط با  
مادرش فاطمه بوستان چی نوشته

این فشارها نتوانست ذره ای از ایمان  
راسخ او به رهائی انسان از شرایط  
موجود بکاهد. دایه حمیرا برای  
دیدار و پیوند عاطفی با فرزندش در  
صفوف پیشمرگان کومله در مناطق  
کوهستانی کردستان ایران و مناطق  
مرزی کردستان عراق مدام در آمد و  
رفت بود. در همین رابطه نیز باجمع  
زیادی از پیشمرگان کومه له آشنا و  
دوست شده بود. دایه برای دیدار با  
فرزند و همسر فرزندش و نوه هایش  
و دیگر بستگانش در کشور سوئد و  
نروژ و فنلاند به اروپا سفر کرد و در

از صفحه ۸ نگاه هفته...  
دستگاه‌های سرکویگر رژیم مورد  
اذیت و آزار قرار گرفت. همزمان دو  
فرزند، داماد و یکی از نوه هایش  
توسط اطلاعات سپاه پاسداران روانه  
زندان شدند. و خودش نیز ناچار شد  
که مدتی مخفیانه زندگی کند. این  
در شرایطی بود که فرزند بزرگترش هم  
در صفوف پیشمرگان کومله فعالیت  
می کرد. خودش بارها این دوران را  
به عنوان یکی از سخت‌ترین دوران  
زندگیش یاد می کرد. اما تمامی

## آخرین اخبار کمپین نجات ریحانه امضاهای طومار دفاع از ریحانه از مرز صد هزار امضا گذشت ریحانه را باید نجات دهیم!



گرفته و مجموعه اعتراضات بین  
المللی به گوش او هم رسیده، کماکان  
می‌گوید حکم را لغو نمی‌کنیم و تنها  
راه نجات ریحانه راضی شدن خانواده  
مقتول است. در اوضاع کنونی فعلاً  
این سیاست حکومت اسلامی ایران  
است به همراه تهدید خانواده ریحانه  
و اعمال فشار به کسانی که از این  
کمپین حمایت میکنند، رژیم  
اسلامی جا خالی داده و به مردم  
آدرس اشتباهی میدهد و همه را به  
دعا و نیایش دعوت میکند. در  
حالی‌که همان حکومتی که ریحانه را  
دستگیر و پرونده سازی کرده و او را  
شکنجه کرده تا اقرار بگیرد و به  
اعدام محکوم کرده، همان حکومت  
باید حکم را لغو کند. این حکومت  
فقط زیر فشار خرد کننده، حکم را  
لغو میکند، پس به اعتراضات باید  
شدت و حدت بیشتری بخشید. این  
تنها راه نجات ریحانه است.

هماهنگ کنندگان صفحه من  
ریحانه جباری هستم، می‌خواهند با  
فردی که نفر ۱۰۰۰۰۰ نفر در امضا  
طومار است، تماس گرفته و با او  
مصاحبه کنند و بگویند که در  
جنبش علیه اعدام ریحانه جباری  
جایگاه ویژه ای دارد و اسمش در  
تاریخ مبارزه علیه اعدام در ایران  
ثبت خواهد شد.

از ایران خبر میرسد که تقلاها و  
گفتگوها با خانواده مقتول نتیجه  
بخش نبوده و ظاهراً جلال پسر  
مرتضی سربندی روز شنبه این هفته  
می‌خواهد از اجرای احکام خواهان  
اجرای فوری حکم اعدام ریحانه  
بشود.

طبق اخباری که ما به دست آورده  
ایم، اصلی لاریجانی رئیس قوه  
قضاییه حکومت اسلامی که در  
جریان کمپین نجات ریحانه قرار

## آخرین اخبار کمپین نجات ریحانه...

## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:  
Sweden  
Post Giro: 6396060-3  
account holder: IKK

آلمان:  
Germany  
Rosa Mai  
Konto. Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

کانادا:  
Canada  
ICRC  
Scotiabank  
4900  
Dixie Rd, Mississauga  
L4W2R1  
Account #: 843920026913

هلند:  
Bank: RABOBANK  
Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 151350248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:  
Bank of America  
G Street, Blaine, Wa 98230277  
phone # 1-360-332-5711  
Masoud Azarnoush  
Account number : 99-41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
Nrsswift code : BOFAUS

شماره حساب انگلیسی  
ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:  
England  
Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
Account hold: wpi  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981  
BIC: NWBK GB 2L

در زمینه کمک مالی چنانچه سوالی داشته باشید  
میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

## از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

## از ایران:

شهلا دانشفر: ۰۰۴۶۷۷۹۸۹۸۹۶۸

عبدل کلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

ریحانه را به اعدام محکوم کرده اند و اکنون با تأیید این حکم و ابلاغ آن به اجرای احکام ممکنست هر لحظه ریحانه را اعدام کنند.

ما با اعلام کمپین نجات ریحانه از همگان خواهانیم که هر کس هر امکانی دارد بکار گیرد تا ریحانه را نجات دهیم.

اگر امکان تماس با رسانه ها را دارید به همه این خبر را بدهید، اگر امکان تماس با دولتها و نهادهای حقوق بشری را دارید، با آنها تماس بگیرید، اگر امکان سازمان دادن میتینگ و یا ارسال نامه اعتراضی را دارید این اقدامات را فوراً در دستور بگذارید.

ما از فردا شنبه ۲۱ مارس تا شنبه ۲۸ مارس را هفته همبستگی با ریحانه اعلام میکنیم. شنبه ۲۸ مارس در شهرهای مختلف دنیا میتینگ و اعتراضاتی علیه حکم اعدام او برپا خواهیم کرد.

کمک کنید جان این زن جوان را نجات دهیم.

در قدم اول این طومار اعتراضی را امضا کنید:

نازنین افشین جم  
شادی پاوه  
شبنم اسداللهی  
مینا احدی

۲۱ مارس ۲۰۱۴  
تماس:

hamseda@gmail.com  
minnaahadi@gmail.com

مرتضی زمانی که ریحانه در یک کافی شاپ مشغول مکالمه تلفنی بود، تصادفاً این مکالمه را شنیده و از شغل ریحانه خبردار میشود. او از ریحانه می خواهد که برای انجام کار دکوراسیون به دفترش مراجعه کند. چندی بعد آنها با هم قرار میگذارند که برای نشان دادن محل و صحبت کردن در مورد کار راهی دفتر کار مرتضی شوند.

پس از اولین ملاقات، ریحانه سوار ماشین مرتضی برای رفتن به محل کار او جهت انجام کار میشود در مسیر رفتن به سوی محل کار، مرتضی در مقابل یک داروخانه می ایستد و اجناسی را از داروخانه میخرد. سپس مرتضی مجدداً سوار اتومبیل شده و همراه ریحانه به سوی دفتر مرتضی حرکت می کنند. پس از اینکه به محل میرسند، ریحانه متوجه میشود که آنجا محل کار نیست بلکه یک خانه متروکه است. مرتضی دو لیوان شربت روی میز گذاشته و فوراً در را می بندد و دستش را دور کمر ریحانه گره زده و به او میگوید راه فرار نداری! در درگیری ریحانه با مرتضی و در جریان دفاع از خود، ریحانه با چاقو به کتف مرتضی ضربه ای زده و فرار میکند. مرتضی گویا در اثر خونریزی فوت میکند.

آزمایشات نشان داده که آبیوه روی میز حاوی داروی بیهوشی بوده است. ریحانه را دستگیر کرده و بعد از شکنجه از او اقرار میگیرند که قتل برنامه ریزی شده بود و حتی گفته میشود به او گفته اند قتل سیاسی بوده است. مرتضی یکی از همکاران قبلی وزارت اطلاعات بوده است.

تنها راه نجات ریحانه از نظر ما شدت بخشیدن به اعتراضات و دعوت از همه هنرمندان در جهان، همه مخالفین اعدام و همه مدافعین حقوق زنان در سراسر جهان است که بهر طریق ممکن از ریحانه دفاع کنند. ما باید دولتها و اتحادیه اروپا را تحت فشار بگذاریم که از جمهوری اسلامی ایران و آملی لاریجانی بخواهند فوراً حکم اعدام را ملغی کند. این میسر نمیشود مگر با شدت بخشیدن به اعتراضات بین المللی. باید دولت آلمان و یا سوئد و یا هلند و یا کاترین اشتون رسماً اعلام کنند در صورت عدم لغو حکم اعدام ریحانه روابط خودشان با جمهوری اسلامی ایران را مورد بازبینی قرار خواهند داد. باید سفرای حکومت اسلامی فراهونده شوند و رسماً به آنها اعتراض بشود.

کمپین نجات ریحانه با قدرت تمام تا اعلام لغو حکم اعدام ریحانه ادامه خواهد یافت. این یک کمپین در نجات جان ریحانه، یک کمپین علیه اعدامها در ایران و یک کمپین در دفاع از حرمت و حقوق انسانی زنان است.

## به کمپین نجات ریحانه بپیوندید!

هفته همبستگی با ریحانه جباری، هفته تلاش برای لغو حکم اعدام

ریحانه جباری زن جوان ۲۶ ساله ای است که در خطر اعدام هست. ریحانه به اتهام قتل فردی به اسم مرتضی دستگیر و هفت سال است که در زندان است.

ریحانه طراح دکوراسیون بود.

## صفحه بندی: فرزاد کرباسی

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشر به ایسکرا: فرزاد کرباسی

E- mail: farzam.karbasi@gmail.com

## مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات



متضمن تعرض به جسم افراد  
(نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره)  
تحت هر شرایطی ممنوع است.  
همچنین مجازات حبس ابد  
باید لغو شود.



سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!